

شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

نویسندگان: سید احمد حسینی^۱، رسول عباسی^۲، رؤیا رضایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۴/۲۹

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۴

چکیده

نیل به موفقیت در تدوین و اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به عنوان یک طرح ملی که بعد از قانون اساسی، والاترین سند راهنمای حرکت نظام است نیازمند مشارکت همه آحاد جامعه خصوصاً نخبگان است؛ زیرا نخبگان هر جامعه مبدع و محرک تحولات بزرگ محسوب می شوند. پژوهش حاضر به شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می پردازد. داده های پژوهش به روش مصاحبه عمیق با اساتیدی از گروه های مختلف علمی که همکاری هایی در موضوع الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت داشته اند، جمع آوری و با روش داده بنیاد، تحلیل و سپس نظریه نهایی پژوهش ارائه شده است. در این پژوهش تعداد ۶۲۳ کد اولیه به دست آمد که در ۹ طبقه اصلی درج و روابط علی بین آن ها مشخص شد. بر اساس یافته های پژوهش، عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان، به سه دسته کلی الف - عوامل زمینه ای مشتمل بر ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب نخبگان به مشارکت با مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه و اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی؛ ب - عوامل ساختاری شامل تدبیر اندیشی مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، هماهنگ سازی برنامه و تصمیمات دانشگاه ها در سوق دادن نخبگان به مرکز الگو، هماهنگ سازی برنامه و تصمیمات حوزه های علمیه در سوق دادن نخبگان به مرکز الگو و حمایت حاکمیت و دستگاه های اجرایی از اهداف مرکز الگو و ج - عوامل رفتاری شامل برنامه ریزی جهت بهسازی خصوصیات فردی نخبگان و اصلاح ادراک و نگرش نخبگان جامعه است.

واژگان کلیدی: مشارکت، مشارکت نخبگان، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، داده بنیاد.

۱. استاد یار دانشگاه شاهد. Sa_hosseini951@yahoo.com

۲. استاد یار دانشگاه حضرت معصومه (س). r.abbasi@hmu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه شاهد. rezae7@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مساله

امروزه با تأکید بر ارزش‌های انسان‌گرایانه و خلاقیت گروهی، مشارکت را به‌عنوان نیاز بشر و راه‌کار اصلی توسعه دانسته‌اند، زیرا توسعه ایجاد تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها برای تحقق کامل هدف‌های جامعه است و تا همه مردم با آگاهی همگانی از تغییرات و ضرورت مطابقت با آن، در فرآیند توسعه، مشارکت اصیل نداشته باشند، ادامه توسعه ممکن نخواهد بود. مشارکت جزء اساسی و لاینفک توسعه به شمار آمده که با استفاده از کمک داوطلبانه اجتماعی و بهره‌گیری از منابع داخلی در جهت تحقق توسعه و کاهش هزینه‌های آن مؤثر است. همچنین مشارکت اجتماعی از طریق سازمان‌دهی گروه‌ها، سرمایه اجتماعی جامعه را گسترش می‌دهد و سرانجام مشارکت، سازوکاری است که گروه‌های فرعی و حاشیه‌ای را توانمند می‌سازد تا در متن و جریان‌های اصلی حیات اجتماعی خود، ایفای نقش و تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند. (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۸)

در نوشته‌هایی که به بحث درباره مشکلات و چشم‌اندازهای ممالک توسعه‌نیافته می‌پردازد، بیش از همه به اندیشه نخبگان اشاره شده است؛ زیرا میان دگرگونی ساختار اجتماعی و ظهور و سقوط گروه‌های نخبه پیوند عمیقی وجود دارد. دگرگونی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... نخست باعث بروز تغییراتی در اعتبار و قدرت گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شود؛ در عین حال نیاز به رهبران و نخبگان برجسته را بیش از همه مردم، جوامعی احساس می‌کنند که در آن‌ها تغییرات اجتماعی پیچیده و دشواری در حال وقوع است و شیوه‌های آشنای زندگی در حال منسوخ شدن هست. بدین لحاظ کشورهای در حال توسعه امروزی یک فرصت عالی را برای فعالیت‌هایی که نخبگان در تلاش برای تبدیل جوامع خویش به کشورهای نو و از نظر اقتصادی پیشرفته انجام می‌دهند فراهم می‌آورند. (باتامور، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲)

جمهوری اسلامی ایران بنا به صلاح‌دید مقام معظم رهبری و احساس نیاز ایشان و مشاهده جوانب ناموفق عملکرد غرب در امر توسعه، در پی دستیابی به الگویی بومی برای پیشرفت و تعالی جامعه است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

«این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه اسناد برنامه‌ای کشور و چشم‌انداز کشور و سیاست‌گذاری‌های کشور؛ یعنی حتی چشم‌اندازهای بیست‌ساله و ده‌ساله که در آینده تدوین خواهد شد، باید بر اساس این الگو تدوین شود؛ سیاست‌گذاری‌هایی که خواهد شد - سیاست‌های کلان کشور - باید از این الگو پیروی کند و در درون این الگو بگنجد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)



برای دستیابی به این الگو، نهادی با نام مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشکیل شده است. با توجه به نقشی که نخبگان جامعه در پیشرفت و تعالی جامعه ایفا می‌کنند، توفیق این مرکز در نیل به اهدافش نیازمند مشارکت نخبگان است. مقاله حاضر بنا به پیشنهاد مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نگاشته شده است و به بررسی عواملی که منجر به مشارکت و تعامل نخبگان در تدوین الگو می‌شود، می‌پردازد. بدیهی است دستیابی به الگویی جامع و کامل برای پیشرفت جامعه، نیازمند صرف زمان، مطالعه و تلاش جمعی نخبگان جامعه است.

یکی از مسائل مهم در تدوین و اجرای طرح‌های ملی، جلب مشارکت افراد جامعه، به‌خصوص جامعه نخبگان است؛ زیرا مشارکت به‌عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته می‌شود. توسعه در معنای عام، فرایند تحولی پیچیده و همه‌جانبه و برنامه‌ریزی شده است که در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می‌دهد و آن را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت می‌کند. در دهه‌های اخیر توجه به پدیده مشارکت و تأکید بر نقش آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه تا حد بسیاری ناشی از تجربه شکست برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ هست. در بررسی برنامه‌ها، عدم بهره‌مندی از مشارکت مردم به‌عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه، ارزیابی شده است. (نیازی، ۱۳۸۱، ص ۳۸)

در کشور ما موضوع توسعه و توسعه‌یافتگی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در چند دهه اخیر بوده و مبنای برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تمام جوامع شناخته شده است. همه مردم تمایل دارند تا ظرفیت و توان مادی، معنوی و انسانی کشورشان افزایش یابد تا در پناه این ظرفیت‌ها و توانایی‌های به وجود آمده کشوری قدرتمند و سرفراز داشته باشند. (الوانی، ۱۳۸۹)

اکنون در دهه چهارم انقلاب اسلامی، حدود ۷ سال است که از طرح موضوع الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌گذرد و ایشان بارها اشاره کرده‌اند که چیزی که ما به آن نیاز داریم این است که نقشه پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. در راستای این هدف، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سال ۱۳۹۰ تأسیس شد. با توجه به ضرورت حضور نخبگان در تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نقش ایشان در گفتمان سازی الگو و مشارکت آنان در اجرای الگو بدیهی است. از طرفی مقام معظم رهبری بر این نکته اشاره دارد که در تدوین الگو، استفاده از ظرفیت‌های کشور یک ضرورت است به‌نحوی که بر این امر مستقیماً تأکید می‌فرمایند: «این کار، کار



یک مجموعه خاص و محدود نیست؛ کاری است که باید همه ظرفیت نخبگانی کشور به میدان بیاید. ... حلقه‌های فکری تشکیل شود، دانشگاه‌ها و حوزه‌ها با این مسئله درگیر شوند تا اینکه بتوانیم ان شاء الله این را به نقطه مطلوب خودش برسانیم». لذا سؤال اساسی در این پژوهش عبارت است از این‌که: عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در تدوین الگویی اسلامی - ایرانی پیشرفت کدام‌اند؟

۲- مبانی نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- تعریف مفاهیم

مشارکت: مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان برای پاسخ‌گویی به طرح توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است (پاتریک، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹). گائوتری مشارکت‌را فرایندی عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چند فرهنگی دانسته که هدف آن کشاندن مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است. گای با الهام از اندیشه گرام (۱۹۸۳)، اوکلی (۱۹۸۳) و اوکلی و مارسدن (۱۹۸۴)، بین سه تفسیر از مفهوم مشارکت تمیز قائل شده است. در تفسیر اول، مشارکت به معنای بسیج اجتماعی است که بر بسیج مردم برای اجرای پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد. معمولاً این پروژه‌ها از بالا اندیشیده و طراحی گردیده و مردم برای اجرای آن‌ها بسیج می‌شوند. تفسیر دوم، مشارکت را با تمرکززدایی در دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های مربوط به آن برابر می‌گیرد. در تفسیر سوم، مشارکت به‌عنوان فرآیند اختیار دادن به جدا افتادگان و محرومان مورد توجه قرار می‌گیرد که مستلزم ایجاد سازمان‌های دموکراتیک، مستقل و خوداتکایی فقیران است. (گای، ۱۳۷۱، صص ۶۳-۶۲)

نقش مشارکت در توسعه: دونالدسن در تعریف توسعه و نقش مشارکت در تحقق آن می‌نویسد: توسعه به وجود آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها برای تحقق کامل هدف‌های جامعه است و تا همه مردم با آگاهی همگانی از تغییرات و ضرورت مطابقت با آن در امر توسعه، مشارکت اصیل نداشته باشند، ادامه توسعه ممکن نخواهد بود. اهمیت مشارکت مردمی در برنامه‌های توسعه به‌گونه‌ای است که در سال ۱۹۷۵، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل توصیه کرد که مشارکت مردمی به‌عنوان یک سیاست اساسی در راهبردهای توسعه ملی به کار گرفته شود. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران توسعه، مشارکت شرط اصلی توسعه است که پیوند وثیقی با درجه صنعتی شدن و توسعه اجتماعی-اقتصادی جامعه دارد.



بوکلند مشارکت را به عنوان زیربنای پیشرفت جامعه و از شرایط لازم برای توسعه اجتماعی قلمداد کرده است. از دیدگاه وی، مشارکت جزء اساسی و لاینفک توسعه به شمار آمده و در غیاب آن طرح و برنامه‌های توسعه با شکست روبه‌رو می‌شوند. او کلی با ارائه تفاسیر متعددی از مفهوم مشارکت به نقش مؤثر آن در روند توسعه جامعه تأکید کرده است. به نظر وی، مشارکت با استفاده از کمک داوطلبانه اجتماعی و بهره‌گیری از منابع داخلی در جهت تحقق توسعه و کاهش هزینه‌های آن مؤثر است. همچنین مشارکت اجتماعی و عمومی جامعه را گسترش می‌دهد. علاوه بر آن مشارکت وسیله‌ای است که گروه‌های فرعی و حاشیه‌ای را قادر تمند می‌سازد تا بدین وسیله، منابع و خدمات دولتی را توسعه دهند. (بوکلند، ۱۹۹۸، صص ۱-۲)

از دیدگاه ایوان ایلچ، مشارکت تمام عرصه‌های زندگی از قبیل تحصیل، مراقبت‌های بهداشتی، حمل‌ونقل و برنامه‌ریزی را شامل می‌شود. به طوری که مردم عادی را مسئول رفاه خود سازد. به نظر متفکر برزیلی پائولوفیر معیار توسعه این است که آیا مردمی که قبلاً منفعل فرض می‌شدند، اینک می‌توانند فعالانه در سرنوشت اجتماعی خودشان نقش فعال داشته باشند. به نظر وی مردمی که سرکوب شده یا به فرهنگ سکوت تنزل کرده‌اند در انسانی کردن جامعه خود مشارکتی ندارند. برعکس زمانی که به مشارکت می‌پردازند فعالانه شروع به ساختن تاریخ حقیقی خود کرده و در فرآیند توسعه اصیل ایفای نقش می‌کنند. (گولت، ۱۹۹۵، صص ۹۱-۹۲)

در خصوص رابطه مشارکت با توسعه اجتماعی باید گفت که مشارکت فقط یکی از اهداف توسعه اجتماعی نیست بلکه جزء جدایی‌ناپذیر فرآیند توسعه اجتماعی است. اگر مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که مؤثر بر رفاه آنها است و نیز در اجرای این تصمیمات مشارکت کامل داشته باشند توسعه اجتماعی تسهیل خواهد شد. بسیج شهروندان به این شیوه نه فقط پرورش دهنده بهبود در شرایط اجتماعی، بلکه تقویت‌کننده پیوستگی اجتماعی محلی است. در قالب رویکردهای نوین به توسعه، مشارکت خودجوش، فعال و سازمان‌یافته سازوکاری مؤثر برای توسعه جامعه است. به تعبیری راهبرد نهفته در پس مشارکت مردمی، آزاد کردن انرژی مردم با هدف جلب اطمینان آنها برای تصمیم‌گیری و اجرای آن به طریقی خودجوش است. (لاوری، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱)

آنتونی هال و جیمز میدجلی معتقدند در حالی که مشارکت فعال مردم در طراحی و اجرای برنامه‌های رفاه و خدمات اجتماعی در طول تاریخ وجود داشته است، لیکن تنها در این اواخر است که مفهوم مشارکت بخشی از ادبیات بین‌المللی توسعه شده است. به نظر این دو، حجم وسیع و در حال گسترش تحقیقات در این مورد نشانگر



این حقیقت است که در نزد بسیاری از نظریه پردازان، مشارکت به عنوان یک نوع باور و پیش نیاز هر طرح یا برنامه موفقیت آمیز برای بهبود زندگی مردم و توسعه اجتماعی مطرح است. لذا امروزه سازمان های مختلف بین المللی با بینشی جدید نسبت به توسعه و تأکید بر ارزش های انسان گرایی و خلاقیت گروهی، مشارکت را به عنوان نیاز بشر و راه کار اصلی توسعه جوامع پذیرفته و در برنامه های خود به نقش بسیار مهم مشارکت مردمی تأکید دارند (هال، ۱۹۸۸، صص ۹۲-۹۱).

نخبگان: نخبگان به افرادی برجسته و کارآمد اطلاق می شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشند و همچنین فعالیت های آن ها بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شوند. نخبه گرایی به عنوان یک نظریه پر قدرت اجتماعی توسط کارل مارکس، ویلفرد، پارتو، گائتانوموسکا و رابرت میخلز طرح شده است. دیدگاه مشترک این گروه از متفکران بر این مبنا استوار بود که حاکمیت در جامعه به دست گروه کوچکی از نخبگان می چرخد. (ایونز، ۱۳۸۳، ص ۱۲)

الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: الگو به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین اطلاق می شود که در یک ساختار منطقی برای توضیح و تفسیر یک سیستم از موجودات تکوینی، پدیده ها، روش ها، فرآیندها، تئوری ها و نظریات ارائه می شود. لذا الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می پردازد. این الگوها نهایتاً رستگاری مورد نظر حاکمیت اسلامی- ایرانی را معرفی می کند. در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، در وهله نخست به آرمان ها توجه می شود، آنگاه پس از تعریف آرمان ها، واقعیات، مورد توجه قرار می گیرد یعنی آرمان های اسلامی با عمل ایرانی معرفی و پیگیری می شود. (متقی، ۱۳۹۱)

۲-۲- پژوهش های پیشین

با توجه به نو بودن موضوع تحقیق و علی رغم جستجوی محقق در میان مقالات و پایان نامه های موجود، مطالعه ای که به طور هم زمان به دو موضوع مشارکت و الگوی



اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته باشد یافت نشد، اما به پژوهش‌هایی با موضوعات نزدیک به موضوع این تحقیق اشاره می‌شود.

سید امامی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس» به این نتیجه رسیدند که پایبندی به انجام تکالیف شرعی، اعتماد سیاسی، علاقه‌مندی به سیاست، مهارت‌های مشارکتی و احساس اثربخشی سیاسی همبستگی معناداری با مشارکت انتخاباتی دارند.

غفاری هاشجین و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران» به این نتیجه رسیدند که در گروه علوم سیاسی، تأثیر دوستان و خانواده و سپس انگیزه سیاسی، سهم بیشتری برای مشارکت سیاسی داشته، اما در گروه فنی، دوستان، انگیزه سیاسی و محیط سیاسی تأثیرگذارتر از سایر انگیزه‌ها بوده است.

مکرمی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با موضوع «بررسی مؤلفه‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از منظر دانش مدیریت»، با ارائه الگوی مؤلفه‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بر مبنای دانش مدیریت ابراز می‌دارد دست‌یابی به الگویی برای تحقق پیشرفت همه‌جانبه ایران اسلامی، ابتدا نیازمند فرهنگ‌سازی و ایجاد حس نیاز به آن در بین نخبگان به‌طور اخص و عموم مردم به‌صورت اعم است.

محمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های علوم اجتماعی در تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، ابراز می‌دارد که بدون ارتباط علوم اجتماعی و گفتمان‌های پیشرفت و توسعه، دستیابی به الگوهای توسعه واقعی با محدودیت‌های بینشی و روشی بسیاری روبرو خواهد بود.

سام وونگ (۲۰۰۸) تأثیرات سرمایه اجتماعی را در نهادینه کردن مشارکت شهروندان در هنگ‌کنگ بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که افزایش سرمایه اجتماعی شهروندان به نهادینه‌سازی مشارکت کمک می‌کند.

۳- روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر، کیفی است که با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد^۱ انجام شده است. نظریه‌پردازان داده‌بنیاد روشی پژوهشی برای تحلیل داده‌ها در علوم اجتماعی به شمار می‌رود. ریشه‌یابی این روش را دو جامعه‌شناس به نام‌های بارنی گلیسر^۲ و انسلم استراوس در کتابی با عنوان «کشف نظریه داده‌بنیاد» ارائه کردند. در



1. Grounded Theory
2. Glaser & Strauss

این کتاب، روش تطبیق مستمر به عنوان نظریه پردازی داده بنیاد نامیده شد. بعدها انواع مختلفی از نظریه پردازی داده بنیاد توسط گلیسر و همچنین پژوهشگران دیگر وارد عرصه پژوهش اجتماعی شد که هر یک طبق ملزومات فلسفی خود به دنبال اصلاح الگوی اولیه بودند (لطیفی، ۱۳۹۰، ص ۴۲ و دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۷۳). در این روش با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. وقتی که برای تبیین یک فرآیند به یک نظریه نیاز داریم از این روش استفاده می‌کنیم. وقتی که نظریه‌های موجود به تبیین چنین فرآیندی نمی‌پردازد به کمک روش داده بنیاد می‌توان درباره وقوع این فرآیند یا مشکل یا افراد مورد مشاهده، یک نظریه را صورت بندی کرد. علاوه بر این برای کسب نگاهی نو درباره آن چیزهایی که میزانی از آگاهی درباره‌شان وجود دارد، نیز به کار گرفته می‌شوند.

در این تحقیق از روش نظام مند که به استراوس و کوربین نسبت داده می‌شود برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. این روش برای پرده برداشتن از پدیده‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند و دیدن این که در پشت آن‌ها چه نهفته است، به کار گرفته می‌شود. این روش دارای سه رویه اصلی است: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. در این مطالعه مصاحبه‌های عمیق با اساتید به عنوان روش اصلی گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری شامل اساتید هیئت علمی رشته‌های مدیریت، جامعه‌شناسی، اقتصاد و آینده‌پژوهی در دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، امام صادق (ع)، علامه طباطبایی، صنعتی شریف و شهید بهشتی که یا در مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مشغول فعالیت هستند و یا با ادبیات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آشنا هستند.

نمونه‌گیری نظری تا جایی ادامه پیدا می‌کند که هر مقوله به اشباع نظری برسد یعنی تا زمانی که به نظر نمی‌رسد در مصاحبه‌های بعدی داده‌های جدید در ارتباط با مقوله‌ها پدید آید، مقوله‌ها به غلظت کافی رسیده باشند و روابط بین مقولات برقرار و تأیید شده‌اند (Straus & Corbin, 2008, p187) در تحقیقات اجتماعی کیفی معمولاً نمونه تا نیل به اشباع بین پنج تا حداکثر پانزده نفر است. در این پژوهش، هر چند در مصاحبه هشتم و نهم، داده‌ها تکراری شد اما پژوهشگر مصاحبه‌ها را تا یازده نفر ادامه داد. لذا تعداد نمونه این تحقیق تا مرحله اشباع، یازده نفر است.

نمونه‌گیری با توجه به روش تحقیق همانند روش‌های کمی نیست و به صورت غیر احتمالی هدفمند است. روش نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند روشی است که در آن افرادی که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر هستند انتخاب می‌شوند. (دانایی فرد و



پایایی و روایی داده‌ها: پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد. یکی از راه‌های نشان دادن پایایی، مطالعه حساب‌رسی فرآیند آن است. مطالعه و یافته‌های آن، زمانی قابل حساب‌رسی هستند که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم به کاررفته توسط محقق در طول مطالعه را با روشنی و وضوح پیگیری کند و سازگاری مطالعه را نشان دهد. به علاوه محقق دیگر باید بتواند به نتیجه‌گیری مشابه یا قابل مقایسه‌ای برسد. به عبارت دیگر نتیجه‌گیری وی در مورد داده‌ها، دیدگاه و موقعیت او متضاد با نتیجه‌گیری محقق نباشد و مسیر تصمیم، راهی را برای محقق ایجاد می‌کند تا مسیر اطلاعات حساب‌رسی را تأیید کند (حسینقلی پور، ۱۳۸۹، ص ۷۷).

محقق پایایی داده‌ها را از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قرار دادن تمامی داده‌های خام تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند مطالعه، اهداف اولیه و سؤال‌ها در اختیار صاحب‌نظران تأمین کرده است. با حساب‌رسی دقیق صاحب‌نظران، درستی تمام گام‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

از نظر کرسول یک پژوهشگر در تحقیق کیفی ضروری است حداقل از دو راهبرد برای افزایش اعتبار تحقیق استفاده کند (اصلی پور و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۴)؛ که در این تحقیق از دو راهبرد تطبیق اعضا و کثرت‌گرایی بهره گرفته شده است.

تطبیق اعضا: محقق، الگوی استخراج شده از داده‌های پژوهش را به پنج نفر از نخبگانی که در جریان تحقیق حضور داشتند ارائه داد و مورد قضاوت آن‌ها قرار گرفت. به عبارتی یافته‌های این پژوهش به مشارکت‌کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آن‌ها مطالعه و نقطه نظرات آن‌ها اعمال شده است.

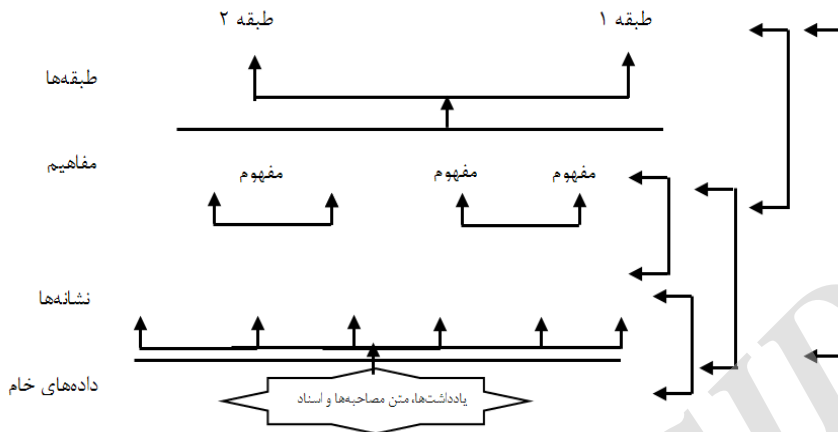
کثرت‌گرایی: به منظور تأمین این شاخص، جمع متنوعی از مصاحبه‌شوندگان با سوابق علمی و اجرایی و از رشته‌های مختلف علوم انسانی که دارای تجربیات عملی در موضوع تحقیق بودند انتخاب شدند.

۴- یافته‌ها

۴-۱- تحلیل داده‌ها تا شکل‌گیری نظریه نهایی

با توجه به شکل زیر، تولید طبقه‌ها (مقوله‌ها) و ایجاد ارتباط بین آن‌ها از طریق مقایسه بین رویدادها با یکدیگر، رویدادها با طبقه‌ها و طبقه‌ها با یکدیگر، حاصل شد. هدف کلی در تمام این فرآیند این بود که طبقه‌ها را از بین داده‌ها برویانیم.





شکل ۱- رویه مقایسه مستمر در نظریه پردازی (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰)

در پژوهش حاضر، هر یک از مصاحبه‌های تحقیق، مراحل فوق را طی کرد؛ یعنی ابتدا هر یک از مصاحبه‌ها به اجزای مفهومی کوچک‌تر تقسیم شده و سپس مفاهیم، مقولات و طبقات از درون آن احصا شد. از آنجا که نظریه‌ها نمی‌توانند با پیشامدهایی که در داده‌های خام، پراکنده است تولید شوند پژوهشگر داده‌های خام را قطعه‌قطعه کرد؛ به طوری که هر قطعه بتواند یک پیشامد (کنش) را که در یک بافت خاص و درون یک فرآیند اجتماعی مشخص، روی داده است گزارش کند.

به هر یک از این قطعه‌ها یا بخش‌های کوچک داده‌های خام که از افراد و منابع گوناگون یا در طول زمانی معین به دست آمده، نشانه گفته می‌شود. هر نشانه دارای یک بار معنایی خاص است که پس از تحلیل و مقایسه مستمر، برچسب مفهومی دریافت می‌کند. (حسینقلی پور، ۱۳۸۹، ص ۵۴)

۴-۲- مراحل کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد

کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد، شکلی از تحلیل محتوا^۱ است که در پی یافتن و مفهوم‌سازی موضوعات قابل‌بحثی^۲ است که در میان انبوه داده‌های اطلاعاتی وجود دارد (دانایی فرد، ۱۳۸۴، ص ۵۹). کدگذاری طی سه مرحله باز^۳، محوری^۴ و انتخابی^۵ انجام می‌شود.

1. Content Ananlysis
2. Issues
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding



۴-۲-۱- گام اول: کدگذاری باز

کدگذاری باز، نام‌گذاری مفهیمی است که بیان‌گر رویدادهای قطعی و دیگر نمونه‌های پدیده‌ها هستند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴، ص ۶۰). این نوع کدگذاری به دو بخش کدگذاری اولیه و کدگذاری ثانویه تقسیم می‌شود.

الف) کدگذاری اولیه

این مرحله از روش نظریه داده‌بنیاد بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام شد. برای کدگذاری اولیه، هر پاراگراف را به اجزایی تقسیم می‌کنیم و به هر کدام از حوادث، ایده‌ها یا رخدادها نامی می‌دهیم. گام بعدی در کدگذاری باز، کشف مقوله‌هاست. وقتی در داده‌ها پدیده خاصی را مشخص کردیم آنگاه می‌توانیم مفاهیم را بر محور آن‌ها گروه‌بندی کنیم. این کار، تعداد واحدهایی را که باید با آن‌ها کار کنیم کاهش می‌دهد. کدها، واحدهای پایه‌ای (خرد) تحلیل هستند؛ زیرا از مفهوم‌سازی داده‌ها، نظریه شکل می‌گیرد نه به‌تنهایی از خود داده‌ها. مفاهیم، در نظریه‌سازی داده‌بنیاد زیر مقوله‌هایی از نوع کدهای باز هستند که وظیفه‌شان ارائه جزئیات بیشتری در مورد هر طبقه است. طبقه‌ها، در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌تر بوده و سطح بالاتر را نشان می‌دهند. آن‌ها از طریق همان فرآیند تحلیلی انجام مقایسه برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده شد تولید می‌شوند طبقه‌ها «شالوده» ساختن نظریه هستند و ابزاری فراهم می‌کنند که به‌وسیله آن، نظریه می‌تواند یکپارچه شود. (استراوس و کوربین، ۲۰۰۸).

در این مطالعه ابتدا مصاحبه‌ها پیاده شده و از حالت صوتی به فایل متنی تبدیل شدند. سپس چند بار مصاحبه خوانده شده و کنترل شد تا بتوان به کدهای اولیه خوبی رسید. ابتدا جمله‌ها از هم جدا شده و هر پاراگراف به اجزای مفهومی تقسیم شد. هر مصاحبه، متناسب با زمان انجام آن، کدهای اولیه زیادی به خود اختصاص داد. گاهی یک موضوع در یک مصاحبه چند بار تکرار می‌شد که در فرآیند کدگذاری فقط یک یا چند کد اصلی اولیه به آن‌ها اختصاص یافت و از تکرار کدهای اولیه اجتناب شد. تعداد کدهای اولیه به تفکیک مصاحبه در زیر آمده است.

جدول ۱- تعداد کدگذاری اولیه به تفکیک مصاحبه

مصاحبه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم
تعداد کد	۹۵	۶۴	۴۱	۵۰	۴۶	۸۲	۷۴	۳۲	۴۳	۴۸	۴۸



ب) کدگذاری ثانویه

در مرحله بعد، کدهای اولیه (به علت تعداد فراوان آن‌ها) به کدهای ثانویه تبدیل شدند. به عبارت دیگر کدهای اولیه مشابه و هم‌معنا در کنار هم قرار گرفته و یک مفهومی به همه آن‌ها اختصاص یافت تا معنای همه آن‌ها را در برداشته باشد. در این بخش، همه کدهای اولیه بدون در نظر گرفتن مصاحبه در کنار یکدیگر قرار گرفتند تا پژوهشگر بتواند به نتیجه مناسبی برسد. پس از تجمیع کدهای اولیه هم‌معنا و مشابه، تعداد کدهای ثانویه به ۳۸۰ عدد رسید.

پس از تجمیع کدهای اولیه و مشابه و رسیدن به کدهای ثانویه، کدهای ثانویه‌ای که به‌انحاء مختلف به موضوع کلی‌تر و واحدی اشاره می‌کردند، انتخاب شده و در کنار یکدیگر قرار گرفتند و سپس کدهای مفهومی کلی‌تری به آن‌ها اختصاص یافت تا بتوان به کمک آن‌ها مقولات و درنهایت، طبقات مفهومی را شکل داد. کدهای مفهومی، معنای عام‌تری نسبت به کدهای ثانویه داشتند و کدهای ثانویه متعددی را می‌توان در زیر عنوان آن‌ها جمع کرد. در جدول زیر تعداد کدهای اولیه و ثانویه در کنار تعداد کدهای مفهومی نشان داده شده است.

جدول ۲- مقایسه تعداد کدهای مفهومی با زیرشاخه‌های خود

تعداد کدهای اولیه	تعداد کدهای ثانویه	تعداد مفاهیم
۶۲۳	۳۸۰	۹۶

ج) شکل‌دهی مقولات و طبقات اصلی

همان‌طور که در روند تحلیل داده‌ها در روش داده‌بنیاد گفته شد شکل‌دهی مقولات و بعدازآن طبقات اصلی، آخرین اقدام این مرحله است که مهم‌ترین آن نیز است. به عبارتی کدهای مفهومی، خود، عنوان مقوله‌ای که باید به آن‌ها اختصاص یابد را شکل می‌دهند. مقولات هم‌سنخ نیز در کنار یکدیگر قرار گرفته و طبقات مفهومی کلی‌تری را شکل می‌دهند. طبقات اصلی بر همه مقولات، کدهای مفهومی، کدهای ثانویه و کدهای اولیه زیرشاخه خود، احاطه معنایی دارد و هر تصمیمی در این مقام، همه آن‌ها را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. در جدول زیر به صورت مقایسه‌ای تعداد مقولات و طبقات به همراه کدهای مفهومی و کدهای ثانویه نشان داده شده است.



جدول ۳- شکل‌دهی مقولات و طبقات بر اساس کدهای مفهومی

طبقات (تعداد کدهای ثانویه)/ مقولات	طبقات (تعداد کدهای ثانویه)/ مقولات
هماهنگ‌سازی برنامه و تصمیمات دانشگاه‌ها در سوق دادن نخبگان به مرکز الگو (۳۱)	تدبیراندیشی مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (۱۳۵)
تقویت ارتباطات مؤثر تولید نخبگان موردنیاز علم پروری	شناخت دقیق جایگاه و مأموریت مرکز الگو ویژگی‌های کارکنان مرکز ایجاد تعاملات درون نخبگانی و پیوند نخبگان با جامعه ایجاد زیرساخت‌های موردنیاز گفتمان‌سازی پیرامون الگو ابزارهای تشویقی مدیریت دانش
برنامه‌ریزی جهت بهسازی خصوصیات فردی نخبگان (۲۷)	هماهنگ‌سازی برنامه و تصمیمات حوزه‌های علمیه در سوق دادن نخبگان به مرکز الگو (۱۰)
برانگیزاننده بازدارنده	تقویت ارتباطات مؤثر تکریم علم و عالم
اصلاح ادراک و نگرش نخبگان جامعه (۵۱)	ایجاد بسترهای قانونی همسو با ترغیب نخبگان به مشارکت با مرکز الگو (۱۹)
تمایل فرد نخبه به پیوند با جامعه درک اهمیت الگو و نقش فرد نخبه در تدوین آن اعتقاد به الگو و تحقق‌پذیر دانستن آن	قوانین حمایتی قوانین زیرساختی قوانین ارزیابی عملکرد
حمایت حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی از اهداف مرکز الگو (۵۷)	اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی (۳۰)
تقویت کانال‌های ارتباطی فراهم کردن زیرساخت عملیات درون‌سازمانی ایفای نقش در تدوین الگو نظارت	سازمان‌زدگی برچسب سیاسی کار بودن عدم جاگیری مناسب افراد در مناصب سنت‌های نادرست
تقویت فرهنگ ملی مشوق مشارکت در جامعه (۲۰)	
فرهنگ‌های مطلوب فرهنگ‌سازی	



۴-۲-۲- کام دوم؛ کدگذاری محوری

رویه‌هایی که از طریق آن‌ها، داده‌ها در فرایندی مستمر باهم مقایسه می‌شوند تا پیوند بعد از کدگذاری باز بین مقوله‌ها مشخص شود (دانایی فرد، ۱۳۸۴، ص ۶۰). در مرحله دوم کدگذاری که به آن کدگذاری محوری گفته می‌شود یکی از طبقات به‌عنوان طبقه محوری انتخاب می‌شود. آن طبقه را با عنوان پدیده محوری در مرکز فرآیند مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، در این مرحله پژوهشگر، یکی از طبقات به‌دست‌آمده از کدگذاری باز به‌عنوان طبقه محوری که اساس یک نظریه است را شناسایی می‌کند. سپس این طبقه محوری، نقطه مرکزی الگوی کدگذاری محوری می‌شود. به عبارتی در این الگو داده‌های به‌دست‌آمده در فرایند پژوهش در شش بخش دسته‌بندی می‌شوند:

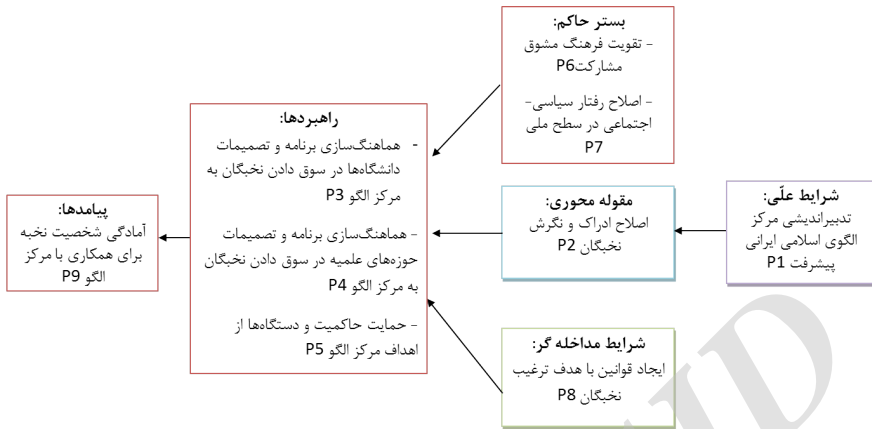
- ۱- شرایط علی^۱: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند؛
- ۲- زمینه^۲: شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛
- ۳- مقوله محوری^۳: یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرایند است؛
- ۴- شرایط مداخله‌گر^۴: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛
- ۵- راهبردها^۵: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود؛
- ۶- پیامدها^۶: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها. (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶،

ص ۸۴)

در طراحی الگو بایستی نخست طبقات تعیین و سپس رابطه بین آن‌ها تبیین شود و پس از آن منطق انتخاب این طبقات و ارتباط بین آن‌ها تشریح شود. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد این تطبیق بر اساس دریافت‌های محقق صورت گرفته است. در این پژوهش با توجه به تأکید استادان بر بعضی نکات و یافته‌های محقق در فرآیند مصاحبه، طبقه «اصلاح ادراک و نگرش نخبگان» به‌عنوان پدیده اصلی انتخاب شد و بقیه طبقات متناسب با آن در جای خود قرار داده شدند که در مرحله اعتبارسنجی به نظر استادان و خبرگان رسید. در شکل زیر عناوین هفت‌گانه در قالب الگوی پارادایمی نشان داده شده است. این الگو، عواملی را بیان می‌کند که برای مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت بایستی مورد توجه قرار گیرند.

-
1. Causal conditions
 2. Context
 3. Core category
 4. Intervening conditions
 5. Strategies
 6. Consequences





شکل ۱- الگوی پارادایمی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
 تطبیق طبقات اصلی با الگوی سه شاخگی: از نگاهی دیگر و بر اساس یافته‌های مصاحبه و تعاملات صورت گرفته با استادان مصاحبه‌شونده و پس از اعتبارسنجی و اعمال اصلاحات، عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت طبق نظریه سه شاخگی به شکل زیر بازطراحی شد.



شکل ۲- جایگذاری طبقات اصلی در الگوی سه شاخگی

۴-۲-۳- کام سوم: کدگذاری انتخابی

به فرایند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با دیگر مقوله‌ها، ارزش‌گذاری روابط آن‌ها و درج مقوله‌هایی که نیاز به تأیید و توسعه بیشتر دارند اشاره می‌کند (دانایی فرد، ۱۳۸۴، ص ۶۰). این روند در چند مرحله انجام می‌شود. اولین مرحله متضمن توضیح



خط اصلی داستان بود. مرحله دوم ربط دادن مقولات تکمیلی بر حول مقوله اصلی با استفاده از یک پارادیم (که در کدگذاری محوری توصیف شده است) و گام سوم مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بعدی بود. گام چهارم به تأیید رساندن آن روابط در قبال داده‌هاست. آخرین قدم، تکمیل مقولاتی است که نیاز به اصلاح یا بسط و گسترش دارند (حسینقلی پور، ۱۳۸۹، ص ۶۲).

نظریه نهایی پژوهش: طبق این پژوهش، مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیازمند پیش شرط‌هایی است که عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی جامع و تدبیراندیشی مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اصلاح ادراک و نگرش نخبگان نسبت به دو موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مشارکت، اتخاذ راهبردهای صحیح در سطح دانشگاه و حوزه، وجود نخبگان در بدنه حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی، تقویت فرهنگ مشوق مشارکت در جامعه و اصلاح رفتار سیاسی - اجتماعی در سطح ملی، اتخاذ قوانین در راستای حمایت از مشارکت و بالا بردن انگیزه مشارکت و درنهایت آمادگی شخصیت نخبه برای مشارکت با مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان اذعان نمود دستیابی به جلب مشارکت نخبگان برای همکاری در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک تصمیم اجرایی صرف نیست؛ بلکه برای دستیابی به چنین الگویی باید اقتضائات آن نیز احصاء شده و رعایت شود. جلب مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در بدو امر، نیازمند برنامه‌ریزی جامع و تدبیراندیشی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بوده و این مهم بر عهده مسئولین مرکز الگو است (P1). یکی از پیش شرط‌های اصلی تحقق مشارکت نخبگان، اصلاح ادراک و نگرش آنان نسبت به دو موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مشارکت است که با حصول آن، انگیزه مشارکت در نخبگان بالا خواهد رفت (P2). در این میان نیاز به هماهنگی و همسویی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه قویاً احساس می‌شود؛ چراکه موارد مذکور، کانون شکل‌گیری نخبگان هستند و اتخاذ راهبردهای صحیح در سطح دانشگاه و حوزه، نخبگان را به فضای اجرایی جامعه سوق خواهد داد (P3) و (P4).

از دیگر سو حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی نیز با پذیرش نخبگان در بدنه خود، مقدمات فعلیت یافتن تخصص آنان و افزایش تجربه نخبگانی را فراهم می‌آورند (P5). به جز عوامل مذکور بایستی زمینه‌های مشارکت در بطن و متن زندگی آحاد افراد جامعه



و از جمله نخبگان فراهم شود. این مسئله، نیازمند تقویت فرهنگ مشوق مشارکت در جامعه و اصلاح رفتار سیاسی-اجتماعی در سطح ملی هست (P6) و (P7). یکی از لوازم اصلاح ادراک و نگرش نخبگان، اتخاذ قوانین در راستای حمایت از مشارکت و بالا بردن انگیزه مشارکت است؛ قوانینی که به نخبگان این اطمینان را بدهد تلاش آن‌ها به ثمر خواهد نشست و ما به ازای آن را نیز دریافت خواهند کرد (P8).

در نتیجه این اقدامات، شخصیت نخبه برای مشارکت با مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت آماده خواهد شد و مرکز الگویی تواند با به کارگیری ساز و کار مناسب از مشارکت نخبگان برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بهره گیرد (P9).

۵-۱- پیشنهادهای مربوط به بعد ساختاری

- مسئولین مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بایستی با مطالعه دقیق و احاطه کامل بر اساس نامه مرکز الگو، رسالت مرکز را بشناسند و با حفظ جایگاه حکمرانانه از اکتفا به مشغولیت در انتشار محصولات علمی بپرهیزند.
- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، شرایط لازم جهت شناخت دقیق جایگاه و مأموریت مرکز الگو را برای نخبگان فراهم آورد.
- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بایستی در راستای هدف جلب مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ابتدا برنامه جامعی برای جلب مشارکت نخبگان فراهم آورد و طبق آن عمل کند.
- موفقیت مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در جلب مشارکت نخبگان نیازمند تعامل مؤثر آن با دانشگاه، حوزه، حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی است و هرگونه تک‌روی و عدم تعامل منجر به عدم توفیق مرکز الگو خواهد شد.
- دستیابی به مشارکت نخبگان، یک پدیده تدریجی است و در صورت اتخاذ راهبردهای صحیح به تدریج، مشارکت نخبگان افزایش خواهد یافت؛ بنابراین استمرار این راهبردها الزامی است.
- با توجه به اهمیت برخورد اولیه نخبگان با مرکز الگو در جلب مشارکت آنان لازم است مسئولین مرکز از افرادی باشند که در جامعه علمی دارای مقبولیت و از نظر اجرایی نیز دارای سابقه قابل قبول هستند.
- مرکز الگو مشوق‌های مادی و معنوی متناسب با نوع مشارکت و همکاری نخبگان را فراهم آورد.
- مرکز آمار ایران، به‌عنوان یک نهاد بسیار مهم، همکاری لازم را جهت دادن اطلاعات موردنیاز به مرکز الگو و همکاران آن از جامعه نخبگانی داشته باشد.



- ارتباط نخبگان از یک سو با بدنه تصمیم گیر و سیاست گذار و از سوی دیگر با عموم مردم جامعه حفظ شود.
- در تدوین الگو باید علاوه بر جانب عرضه (تولید الگو)، به جانب تقاضا (مصرف کنندگان الگو) هم توجه شود.
- مطرح کردن موضوع الگو در قالب جلسات علمی دانشگاه‌ها و کرسی‌های نقد و نظریه پردازی می‌تواند مفید باشد.
- لزوم توجه به مدیریت دانش در تقسیم کار نخبگانی، برای جلوگیری از انجام کارهای تکراری و خنثی شدن فعالیت‌های نخبگان توسط یکدیگر، بسیار حائز اهمیت است.
- تعریف رشته «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» در دانشگاه و یا ایجاد واحدهای درسی با این عنوان می‌تواند اثرگذار باشد.
- بهره‌گیری هم‌زمان از الگوی کل به جز (طراحی الگو در مرکز الگو برای نهادها) و الگوی جزء به کل (طراحی الگو در هر نهاد به وسیله مسئولان آن نهاد) و تعامل مناسب طراحان دو الگو بسیار مؤثر است

۵-۲- پیشنهادهای مربوط به بعد زمینه‌ای

- قوانین لازم در راستای اهداف مرکز الگو و جهت حمایت از نخبگانی که با مرکز الگو همکاری دارند وضع گردد.
- توجه ویژه به موضوع حقوق مالکیت، می‌تواند منجر به جلب اعتماد نخبگان شود.
- فرهنگ‌سازی در جامعه به منظور افزایش تمایل به مشارکت و انجام کار جمعی صورت پذیرد.
- فضای عمومی جامعه بر آزادی بیان استوار و شایسته‌سالاری در انتصابات مشهود باشد.

۵-۳- پیشنهادهای مربوط به بعد رفتاری

- اولویت مرکز الگو جهت جلب مشارکت نخبگان، نسبت به نخبگانی باشد که اعتقاد و اهتمام بیشتری نسبت به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت دارند.
- مشارکت اولیه نخبگان به معنای ارتباط دائم آن‌ها با مرکز نخواهد بود و برای ادامه مشارکت نخبگان بایستی به نحو مناسب اقناع شوند؛ لذا راهبردهای جلب مشارکت نخبگان باید به مرور تکامل یابند.
- مرکز الگو نخبگان را در جریان نتایج حاصل از فعالیت و مشارکت‌های آنان



بگذارد.

- اقناع نظری نخبگان در شناخت اهداف الگو صورت پذیرد تا آن را یک طرح حکومتی و مقطعی نپندارند.
- امتیازات تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و دلایل احساس نیاز به این الگو به منظور درک نخبگان از تمایز الگوی اسلامی-ایرانی و الگوی غربی به طور شفاف مطرح شود.
- انتظارات مرکز الگو از نخبگان برای آنان تشریح شود و بین نخبگان و مرکز الگو مفاهمه زبانی صورت گیرد.

۵-۴- پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی

- طراحی الگوی تعاملی مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه
- طراحی الگوی تعامل مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با سه قوه
- طراحی الگویی برای فرهنگ‌سازی در جامعه نسبت به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
- شناسایی الزامات حقوقی در حمایت از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
- طراحی الگویی برای تکامل تدریجی مشارکت نخبگان با مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.



منابع

الف) مقاله‌ها

۱. اصلی‌پور، حسین. زاهدی، شمس‌السادات. شریف‌زاده، فتاح و قربانی زاده، وجه الله. (۱۳۹۳). تبیین الگوی بومی تدوین خط‌مشی‌های زیست‌محیطی کشور با استفاده از نظریه داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت راهبردی. ش ۱، صص ۴۱-۶۶.
۲. دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۸۴). تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی، دانش و رفتار، ش ۱۱، صص ۵۷-۷۰.
۳. دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد، اندیشه مدیریت، ش ۲، صص ۶۹-۹۷.
۴. سیدامامی، کاووس و عبدالمطلب، عبدالله. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۱۶، صص ۱۴۶-۱۰۹.
۵. غفاری هشجین زاهد، بیگی نیا، عبدالرضا و تصمیم قطعی، اکرم. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران، دانش سیاسی، ش ۱۲، صص ۲۴۰-۲۰۷.

ب) کتاب‌ها

۶. الوانی، مهدی. (۱۳۸۹). مدیریت توسعه. تهران: انتشارات صفار-اشراقی.
۷. ایونز، مارک. (۱۳۸۳). نخبه‌گرایی، ترجمه محمود شهبابی. نشریه فرهنگ اندیشه، ش ۱۲.
۸. باتامور، تی بی. (۱۳۷۱). نخبگان و جامعه. ترجمه علیرضا طیب. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. پاتریک، جی بویل. (۱۳۷۴). برنامه‌ریزی در فرآیند توسعه. ترجمه غلامرضا احمدی و سعید شهبابی. تهران: نشر ققنوس.
۱۰. حسین قلی‌پور، حکیمه. (۱۳۸۹). طراحی مکانیزم‌های تجاری‌سازی دانش در دانشکده‌های مدیریت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۱۱. دانایی‌فرد، حسن و اسلامی، آذر. (۱۳۹۰). ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی: کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده‌بنیاد در عمل، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۱۲. غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: نشر نزدیک.
۱۳. گای، دارام. (۱۳۷۱). توسعه مشارکتی، چشم‌اندازهایی از تجربه‌های توده‌های روستایی، ترجمه عصمت قائم‌مقامی. روستا و توسعه (گزیده مقالات)، شماره چهارم، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.



۱۴. لآوری، پیترو. (۱۳۷۶). درباره مشارکت مردمی، کتاب فرهنگ و توسعه. ترجمه: نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. ۱۵) لطیفی، میثم. (۱۳۹۰). نظریه‌پردازی داده بنیاد. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۱۶. متقی، ابراهیم. (۱۳۹۱). تأثیر محیط بین‌الملل بر تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
۱۷. محمدی، مهدی. (۱۳۹۲). چالش‌های علوم اجتماعی در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، تهران.
۱۸. مکرمی، سعید. (۱۳۹۲)، بررسی مؤلفه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر دانش مدیریت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۱۹. نیازی، محسن. (۱۳۸۱). تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

ج) منابع لاتین

20. Buckland, Jerry. (1998). **From Relief and development to assistedself reliance: Nongovernmental organization in Bangladesh.** Journal of Humanitarian Assistance, August. Available: <http://www.jha.ac/>.
21. Goulet, Denis. (1995). **participation in development ethics, A Guide to theory and practice**, London, ned books Ltd.
22. Hall, Antony. (1988). **Community Parcitipation and Development Policy. A Sociological Perspective, in Development Policies Sociological Perspective.** Edited by Antony, Hall and James Midgely. Manchester: Manchester university Press.
23. Straus, A and Corbin, J. (2008). **“Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory”**, Third Edition, Los Angeles: Sage Publications.
24. Wong, S. (2008). **Building Social Capital in Hong Kong by Institutionalising Participation: Potential and Limitations**, Urban Studies, vol. 45, no. 7.

